



مقطع تحصیلی: کاردانی □ کارشناسی ■ رشته: گرافیک. ترم: 4 سال تحصیلی: 1398-1399
نام درس: عکاسی مفهومی نام و نام خانوادگی مدرس: سمیه لطیفی
آدرس email مدرس: somayeh735735@gmail.com تلفن همراه مدرس: 09361395832

جزوه درس: عکاسی مفهومی مربوط به هفته : اول □ دوم □ سوم ■
text: دارد ■ ندارد □ voice: دارد □ ندارد ■ power point: دارد □ ندارد ■
تلفن همراه مدیر گروه : 093827852

قاب تصویر در برخی از عکس‌ها، نقش فعالی دارد. ساختار تصویر در مرحله قاب‌بندی شکل گرفته و به فضای درون عکس راه می‌یابد.
با وجود اینکه می‌دانیم ساختمان‌ها، پیاده‌رو و آسمان در این چشم‌انداز شهری، فرای قاب عکس بوده و ادامه دارد، اما جهان عکس در قاب تصویر شکل گرفته است. این تصویر، همچون قطعه-ای جدا از جهان وسیع نیست.



(۳-۳۵) استیون شور خیابان ال پاسو، تگزاس ۱۹۷۵
قاب تصویر در صفحه‌های باسماه‌ای (وودبلاک^{۳۷}) ژاپنی، بیش از نقاشی‌های کلاسیک، یادآور رسانه‌ی عکاسی است. این آثار نقاشی شده، نمایانگر کتیبه‌های سنتی شرقی هستند- فضای صحنه،



با دیدن برش‌های نامحدود و کادرهای بسته، کاملاً واقعی به چشم می‌آید. شاید که بررسی حس و حال عکاسانه‌ی این کادربندی‌ها، ما را در تجربیات عکاسی‌مان یاری دهد.

به گوشه سمت راست بالای تصویر، دقت کنید: ببینید که با این قاب‌بندی، چگونه بر دست فرشته‌ای که شمشیر را نگه داشته، تأکید شده است. بخش بسیار کوچکی از فرشته نقاشی شده است: هنرمند، کمترین اطلاعات لازم را از فرشته بودن صاحب دست در اختیار ما قرار داده است؛ ذهن ما با قابلیتی مثال زدنی، بر پایه اندک اطلاعات داده شده، تصویر را تفسیر می‌کند.

اکنون به گوشه سمت راست پایین، پایی که وارد تصویر شده است، دقت کنید: اضافه شدن آن به تصویر، واقعاً خلافتانه است. این قسمت، ربطی به اتفاق عکس ندارد؛ کاملاً نامربوط بوده و همانند تصاویر عکاسی است که عکاس هنگام قاب‌بندی بخشی از یک صحنه، قسمت‌های دیگر را نیز وارد تصویر می‌کند.

اگر چه این قسمت، ربطی به اتفاق تصویر ندارد، اما نشانگر این است که اتفاق حاضر، گوشه‌ای از جهان بزرگتر است.



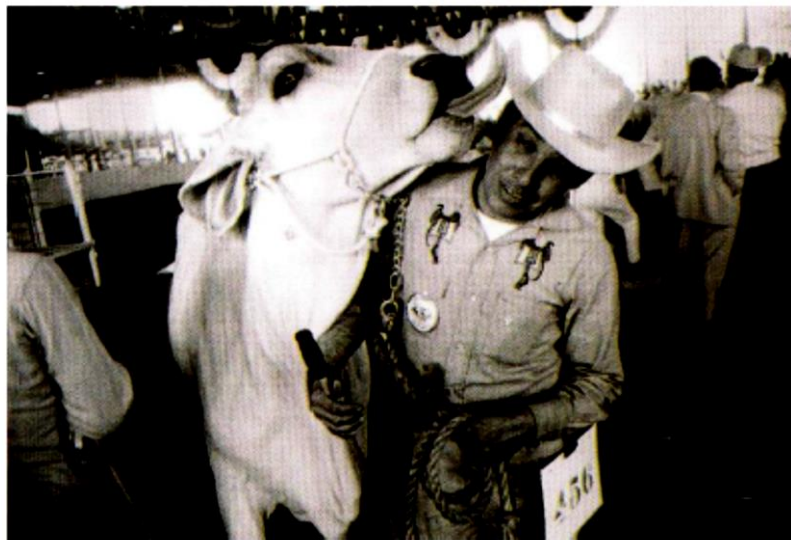
(۳-۳۷) تویوکونی (کونیسادا) صحنه‌ای از نمایش کابوکی ۱۸۵۰



(۳-۳۶) پل گراهام بدون عنوان - اسپانیا، ۱۹۸۸ (سکه‌های دور افتا



با گفتن واژه «سیب» در هنگام گرفتن عکس پرتره، ناخودآگاه، مسیر انتقال یافتن زمان را به عکس، هموار می‌کنیم. عکس ایستاست، اما جهان در زمان جاری‌ست؛ وقفه‌ای که عکس در این جریان می‌اندازد، معنای جدید عکاسانه‌ای را شکل می‌دهد. واقعیت این است که کسی گفته است: «سیب». دوربین، این شاهد بی‌زبان، لبخند سوژه را نمایش می‌دهد- شاید که این لبخند، سطحی باشد و یا تصنعی، همچون عکس‌های پرسنلی یا تصاویر مراسم افتتاحیه و بریدن روبان، اما با این حال، تصویر لبخند فرد است. بگویید «هلو» تا دوربین لبان غنچه شده‌ی شما را ببیند. یکی از روزهای سال ۱۹۶۴ در نمایشگاه ایالتی تگزاس، گوساله‌ای در جنب و جوش، زبان خود را بیرون آورده بود. مربی او سرش را عقب کشیده و سعی کرد که آسیب نبیند. در این میان لحظه‌ای- یک صدم و پنجاهم ثانیه- از زاویه روبه‌رو، صحنه را بر روی فیلم ثبت کرد؛ زبان گوساله و لبه‌ی کلاه مربی، قرینه جالبی به وجود آورد. آن لحظه، خیلی سریع گذشت و صحنه به روال عادی خود طی شد.



(۳-۳۸) گری وینوگراند نمایشگاه ایالتی تگزاس، دالاس ۱۹۶۴
زمان در عکس، به دو حالت پیدااست: نوردهی و ایستایی سوژه‌ها در عکس. همانطور که جهان سه بعدی در هنگام نمایش بر سطح تخت عکس، تغییر می‌کند، زمان جاری نیز هنگام نمایش بر سطح ایستای عکس، دگرگون می‌شود. نوردهی عکس، مدت معینی دارد؛ همان که جان سارکوفسکی در کتاب چشم عکاس، آن را «قطعه‌ی گسسته‌ی زمان» می‌نامد.



مدت نوردھی، ممکن است که...

یک هزارم ثانیه باشد...

زمان منجمد کننده: مدت کوتاه نوردھی، جریان زمان را قطع و لحظی جدیدی را شکل می دهد.



(۳-۳۹) جف وال وزش ناگهانی باد ۱۹۹۳

یا دو ثانیه باشد...

زمان دگرگون کننده: حرکت اتفاق عکس و یا خود دوربین، بر روی فیلم، باعث محو شدن

تصویر می شود.



(۳-۴۰) لیندا کانر کودک خفته نپال، ۱۹۸۰

... یا شش دقیقه باشد.

زمان ثابت: سوژه، بدون تحرک در مقابل دوربین قرار گرفته و زمان، بی حرکت، می گذرد.



(۳-۴۱) ادوارد وستون فلفل _ ۱۹۳۰



وضوح، چهارمین عامل اصلی در انتقال جهان به عکس است. دوربین عکاسی، علاوه بر اینکه با یک چشم و از زاویه‌ای معین، صحنه را می‌بیند، مراتبی را نیز با انتخاب سطحی واضح، در فضای نمایشی تصویر به وجود می‌آورد. این فضای واضح در سطح تصویر، به قسمت‌های مورد نظر عکاس در تصویر نمایشی تأکید کرده و بیننده را در درک آن کمک می‌کند.

در عکس پی. ایچ. امرسون، عمق میدان وضوح تصویر- قسمت‌های کم آب جلوی تصویر- توجه بیننده را فوراً به سه کشاورز نی به دست، در پیش زمینه، جلب می‌کند. وضوح تصویر، این سه نفر را از فرد چهارم و مرداب پس زمینه، جدا کرده است. سطح واضح تصویر، همچون حاشیه‌های مرکز توجه، درون عکس کلی، عمل می‌کند.



(۳-۴۲) پی. ایچ. امرسون فصل برداشت نی ۱۸۸۶



عکس رابرت ادمز را بررسی کنید.

از گوشه پایین، به سمت بالا و مرکز تصویر دقت کنید. در سمت راست، به کوهها و پس از آن به آسمان خیره شوید.

دوباره به همین شکل عکس را مطالعه کنید: این بار، به این مسأله توجه کنید که چشمان ما در هنگام نگاه کردن به تصویر و گذر از میان قسمت‌های نمایش داده شده، نقطه وضوح خود را تغییر می‌دهد.

توجه کنید که در خود عکس، میان مرکز تصویر و کوهها، اختلاف وضوح بسیار کمی وجود دارد.

با نگاه به آسمان، پس از دیدن کوهها، وضوح تصویر نیز همگام با توجه ما، تغییر می‌کند: اما در نگاه کلی، بدون احساس تغییری قابل ذکر در ناحیه وضوح، عکس را به شکلی یکپارچه می‌بینیم. دقت کنید که واضح‌بینی چشمان شما در سطح نمایشی عکس، سرعت قابل توجهی دارد. آسمان عکس، بسیار دورتر از فضای مرکز تصویر است اما سرعت واضح‌بینی چشمان ما خیلی سریع است.



(۳-۴۳) رابرت ادمز سینمای روباز و کوه شاین ۱۹۶۸

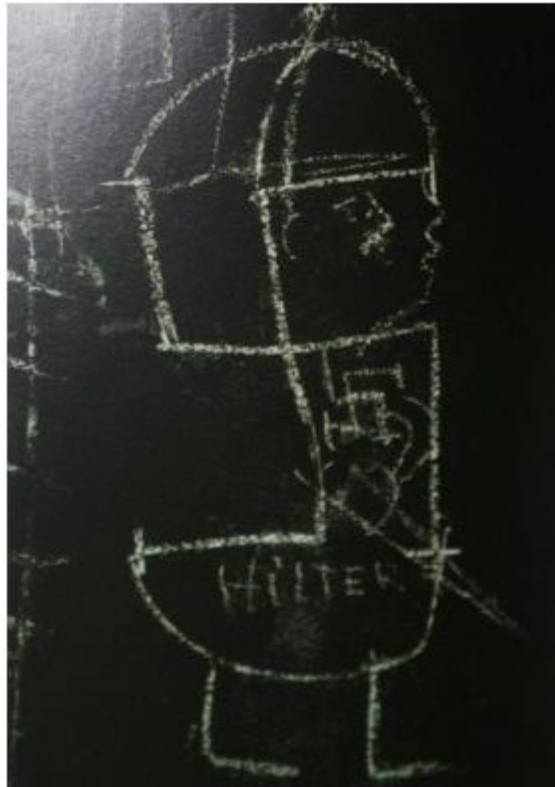


لنز بیشتر دوربین‌ها، بر بخش سخت بدنه دوربین بسته شده و بدین صورت، رابطه‌ی ثابتی با سطح تصویر دارد اما لنز دوربین‌های منظره‌ای^{۲۸} ستی، چون بر سطح قابل انعطاف فانوسی شکل دوربین بسته می‌شود، قابلیت حرکت به کناره‌ها و بالا و پایین را دارد. بدین ترتیب، دیگر لنز، همسطح و در موازات سطح فیلم نیست و با دستکاری، می‌توان فضای وضوح تصویر را به دلخواه تعیین کرد. حتی می‌توان همچون عکس جان گروور از طبیعت بی‌جان، ناحیه وضوح تصویر را به شکل عمودی معین کرد.



(۳-۴۴) جان گروور بدون عنوان، ۱۹۸۵

حالت مرتبه‌ای وضوح تصویر، در عکاسی از سوژه‌های تخت و موازی با سطح عکس {برای رسیدن به وضوح یکدست} زدوده می‌شود.



(۳-۴۵) براسایی دیوار نوشته ۱۹۳۵

حالت مرتبه‌ای وضوح تصویر و جنبه‌ی تأکیدی آن را با افزایش «عمق میدان وضوح» نیز می‌توان کاهش داد، اما به خاطر وجود این حالت، باز هم بخش مورد نظر عکاس، واضح‌تر و قسمت‌های پس و پیش آن، حالتی نزولی خواهند داشت. این مسأله، توجه بیننده را به سطح واضح عکس افزایش می‌دهد؛ دقت وضوح و توجه عکاس به این مسأله، دقت بیننده را افزایش می‌دهد.



(۳-۴۶) آوگوست زاندر کشاورزان جوان در لباس روز یکشنبه ۱۹۱۳

تمرین:

با استفاده از نور و انعکاس آن در محیط و اجسام شخصیت خود را معرفی کنند. تعداد 20 عکس.



Blank area for content.

قابل توجه مدرسین محترم : حداقل 4 صفحه در هر هفته برای ارائه محتوای درس و یک صفحه برای خلاصه درس و نمونه سولات در نظر گرفته شود.